

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ





ایک بہمان حسن



TW
Taswira



aparatus.com/nofavanha



باز آن روز زیبا از راه رسیده است...
سلام و دیده‌بوسی و تبریک و هدیه و شادی؛
زمزمه‌ی ذکر زیبای «یا امیرالمؤمنین»؛
و سلام و صلوات!

پیر و جوان و کوچک و بزرگ، همه شادمان هستند.
همه، دست در دست هم تلاش می‌کنند تا یاد آن روز بزرگ را زنده نگه‌دارند.
چه جشن باصفایی! آسمان سراپا غرق نور است و زمین سراسر غرق سرور!
هر سال این جشن برپا می‌شود.
از آن روز، که آن ماجرا اتفاق افتاد تا الان بیش از هزار و چهارصد بار است که این
جشن زیبا را دیده‌ام.
چه روز بزرگ و بی‌نظیری بود! تک‌تک صحنه‌هایش در برابر چشمانم است!



سال دهم هجری است؛ ماه ذی الحجّه، روز هجدهم ماه.

پیامبر و یارانش شادمان از انجام دادن مراسم نورانی حج به سوی مدینه باز می‌گردند.

کاروان‌ها به منطقه‌ی غدیرخم رسیده‌اند و کم‌کم می‌خواهند از هم جدا شوند.

در همین لحظه پیامبر خدا فرمان توقّف می‌دهد و می‌فرماید:

«آنها که جلوتر رفته‌اند، برگردند. صبر می‌کنیم تا آنها که نرسیده‌اند، برسند!»

حاجیان شگفت‌زده به یکدیگر نگاه می‌کنند.

- «چه شده است؟ این همه حاجی بایستند؟ آن هم در این هوای گرم و سوزان!»

کم‌کم خبر همه جا می‌پیچد.



- «پیامبر خدا می‌خواهند مطالب مهمی را بیان کنند».
نماز جماعت ظهر برپا می‌شود؛ چه نماز پرخاطره‌ای!
به دستور پیامبر از جهاز شتران، منبری بزرگ ساخته می‌شود.
پیامبر خدا بر منبر می‌ایستد و سخنرانی خویش را آغاز می‌کند. علی ابن ابی‌طالب
نیز در کنار پیامبر ایستاده است.
همه او را می‌شناسند و فداکاری‌هایش را بارها دیده‌اند.
من هم بارها او را دیده‌ام:

از آن آغاز که دیوار خانه‌ی کعبه در برابر مادرش شکافته شد و او در کعبه به دنیا آمد.
از آن هنگام که در بالای کوه نور در غار حرا همراه پیامبر خدا مشغول عبادت بود.
از زمانی که در کنار کعبه تنها مردی بود که در سنّ نوجوانی پشت سر پیامبر نماز
می‌خواند.

در آن زمان که در روز فتح مکه، روی دوش پیامبر رفت و بت‌ها را از بالای کعبه پایین
انداخت.



مردم با شور و هیجان به پیامبر چشم دوخته‌اند و گوش می‌کنند.



۱- وسیله‌ای که برای حمل بار یا انسان روی شتر می‌بندند.

پیامبر مطالبی بسیار مهم و ارزشمند برای مردم بیان می‌کند؛ سپس با صدایی بلند
خطاب می‌کند:

«خداوند، جبرئیل امین را به سوی من فرستاد و فرمود:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ
رِسَالَتَهُ

ای رسول خدا آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است برای مردم
بیان کن که اگر بیان نکنی، پیام خدا را به مردم نرسانده‌ای.»

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۷

ممكنه موله محمد بن عبد الله

قوله تعالى واذا دعا قومك



و بعد دست علی علیه السلام را در دست می‌گیرد و بالا می‌آورد و با صدایی بلند می‌گوید:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

هر کسی من رهبر و سرپرست او هستم، این علی، رهبر و سرپرست اوست.»

سپس پیامبر خدا دست به دعا برمی‌دارد:

«پروردگارا! با دوستان علی دوست باش و با دشمنان او دشمنی کن؛
پروردگارا یاران علی را یاری کن و بدخواهان او را خوار گردان.»

گل‌های لب‌خند بر لب همه می‌روید!

مردم دسته‌دسته جلو می‌آیند و با جانشین پیامبر بیعت می‌کنند.

در همین لحظه جبرئیل امین خدمت پیامبر خدا رسید و این آیه را هدیه آورد:

«امروز دین شما را کامل، و نعمت را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آیین
جاویدان شما پست‌دادم.»

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳

حاجیان کم کم از هم خداحافظی می کنند و شادمان و شتابان به سوی شهرهایشان
می روند.

و من چقدر خوشحالم که هم شاهد روز غدیر بوده ام
و هم در تمام جشن های غدیر نورافشانی می کنم.



بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ...
فَرَجَعْتُ مَوْلَا أَهْلِ بَيْتِي مَوْلَا

www.Patugh.ir



با شنیدن نام عید غدیر به یاد چه چیزهایی می‌افتید؟ چرا؟

حضرت محمد

حضرت علی

جانشینی

جشن

